

بررسی رابطه بین راهبردهای مقابله و رفتار پرخاشگرانه جوانان: مطالعه موردی شهر اسلام آباد غرب

عبدالعلی لهسایی زاده، استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز*

گلمراد مرادی، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

چکیده

بیان مسأله: بسیاری اندیشمندان معتقدند که پرخاشگری ریشه بسیاری از مشکلات روانی و رفتاری جوانان است. این رفتارها در صورت بروز می‌توانند سبب مشکلات بین فردی، جرم و بزه و تجاوز به حقوق دیگران شده و در صورت درون ریزی شدن قادر به ایجاد انواع مشکلات جسمی و روانی می‌باشند. اهمیت نقش راهبردهای مقابله^۱ در چگونگی بروز رفتارهای جوانان از نظر گاه اندیشمندان روشن شده است. واکنش جوانان در برابر مشکلات و مسائل شبیه به همدیگر نمی‌باشند. بسیاری از آنها در مقابل این فشارها مقاومت می‌کنند و سعی می‌کنند آنها را برای خود هدفدار و معنی‌دار سازند و با آنها کنار آیند، بعضی‌ها زود از پای در آمده و تسلیم می‌شوند و بعضی هم آن را به دست عوامل مذهبی، مناسک و نیروهای ماورائی می‌دهند.

هدف: این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین راهبردهای مقابله و رفتار پرخاشگرانه جوانان انجام شده است.

روش تحقیق: این پژوهش به روش کمی و با استفاده از تکنیک پیمایش و از طریق ابزار پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه جوانان بین سنین ۱۹ تا ۳۵ سال شهر اسلام آباد غرب می‌باشد. با توجه به جامعه آماری که ۳۸۰۰۰۰ نفر می‌باشد، تعداد ۴۰۰ نفر جوان به عنوان نمونه معرف به شیوه تصادفی سیستماتیک برای مطالعه انتخاب شدند. از اعتبار صوری و سازه برای روایی ابزار تحقیق استفاده به عمل آمد و از روشهای آماری ضریب همبستگی پیرسون و مقایسه میانگین‌ها برای آزمون فرضیات استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان داده است که میانگین نمره راهبردهای انطباق افراد در بعد عقلانی برابر ۲۱/۵۵، در بعد احساسی برابر ۳۷/۴۲ و در بعد اجتنابی برابر ۱۹/۴۴ می‌باشد. از طرفی میانگین نمره پرخاشگری افراد در بعد تهاجم برابر ۳۲/۷۱، در بعد خشم برابر ۴۸/۵۱ و در بعد کینه توزی برابر ۲۸/۶۵ می‌باشد. این میانگین‌ها براساس آزمون F در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار است.

بحث و نتیجه گیری: نتایج نشان می‌دهد افراد زمانی که از راهبرد احساسی در مواجهه با مشکلات استفاده می‌کنند، پرخاشگری بیشتری از خود در تهاجم، خشم و کینه توزی نشان می‌دهند. اما دو راهبرد دیگر (عقلانی و اجتنابی) برای این ابعاد معکوس می‌باشند، زیرا افرادی که راهبرد اجتنابی از خود نشان می‌دهند، دلیلی برای پرخاشگری نمی‌بینند، بلکه آنها از این رفتار به این خاطر کناره می‌گیرند که قدرت رویارویی با آن را ندارند در حالیکه برای بعد عقلانیت افراد سعی دارند با موانع مقابله کنند. آن هم نه از طریق خشونت و پرخاشگری، بلکه با منطقی‌سازی عقلانی و صحیح.

واژه‌های کلیدی: رفتار پرخاشگرانه، راهبردهای مقابله، جوانان، اسلام آباد غرب.

مقدمه

می‌شود (Thomas et al, 1992: 203)، غیبت طولانی مدت پدر و مادر و منازعات بین آنها در نزد فرزندان (Japel et al, 1992: 50)، طلاق و مشاجرات خانوادگی (Lengua, 1999: 16). می‌تواند زمینه بروز رفتارهای بزهکارانه و پرخاشگرانه را بین جوانان دامن بزند. اندیشمندان زیادی نیز اهمیت زیادی برای مطالعه نقش نوع راهبرد مقابله (شیوه‌های مقابله) در چگونگی برخورد با مشکلات و مسائل زندگی و در نتیجه وضعیت جسمانی و روانی آنها قائل شده‌اند (Cohen et al, 1995, 42). راهبردهای مقابله، توانایی‌های شناختی و رفتاری هستند که فرد مضطرب به منظور کنترل نیازهای خاص درونی و بیرونی فشارآور بکار می‌گیرد (Thame & Espelage, 2004, 339).

به عبارت دیگری راهبرد (استراتژی) مقابله، فرایندی است که در آن فرد فشارهای وارده ناشی از موقعیت‌های متفاوت را مدیریت می‌کند (Thame & Espelage, 2004, 339). واکنش افراد در برابر این مشکلات و مسائل روانی مانند هم نیست، بسیاری از افراد در مقابل این فشارها مقاومت می‌کنند و سعی می‌کنند با آنها کنار آیند، بعضی‌ها زود از پای در آمده و تسلیم می‌شوند و بعضی هم آن را به دست عوامل مذهبی، مناسک و نیروهای ماورائی می‌دهند. نتایج کار بسیاری از پژوهشگران نشان می‌دهد

پرخاشگری^۲ و رفتارهای خشونت آمیز نوعی از اعمال خشونت علیه دیگران است که می‌تواند باعث آسیب یا صدمه به دیگران شود. عوامل روانشناختی، اجتماعی، بیولوژیکی و محیطی در ایجاد پرخاشگری نقش دارند. پرخاشگری بسته به نوع الگوی رفتاری، می‌تواند تقسیم بندی‌هایی داشته باشد (مثلاً حمله فیزیکی علیه خود، علیه اشیاء و دیگران). بسیاری رفتارها تهاجمی‌اند گرچه ممکن است آسیبی ایجاد نکنند. خشونت کلامی از آن جمله است (Sadock, 2003, 150 – 158). روانشناسان معتقدند که پرخاشگری ریشه بسیاری از مشکلات روانی و رفتاری نوجوانان است. این رفتارها در صورت بروز، می‌توانند سبب مشکلات بین فردی، جرم و بزه و تجاوز به حقوق دیگران شده و در صورت درون ریزی شدن قادر به ایجاد انواع مشکلات جسمی و روانی می‌باشند (عبدالخالقی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۴۳). تحقیقات انجام شده در رابطه با رفتارهای پرخاشگری بین نوجوانان و جوانان نشان می‌دهد که عواملی چون عدم سازگاری والدین که منجر به عدم امنیت فرزندان و محرومیت کودکان از خانواده

². Aggression

دید، به دلیل کثرت تعداد در سرنوشت جامعه تعیین کننده هستند، به دلیل جهانی شدن و پیشرفت ارتباطات با همه نوع مسایل و اطلاعات مواجه هستند. پس باید قدرت تمیز اصول صحیح از ناصحیح را یاد داشته باشند. از طرفی هم جوانان یکی از ارکان اصلی دستیابی به توسعه در جامعه هستند و با توجه به تاثیرگذاری جوانان در سطح دوستان و خانواده، مطالعه رفتارهای آنها از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

هدف کلی تحقیق، بررسی رابطه بین راهبردهای مقابله و رفتار پرخاشگرانه در بین جوانان شهر اسلام آباد غرب می باشد. اهداف جزئی این تحقیق به صورت ذیل می باشد.

۱- میزان گرایش به رفتار پرخاشگرانه جوانان شهر اسلام آباد غرب.

۲- بررسی رابطه بین راهبردهای انطباق (عقلانیت محور، احساسی محور و اجتنابی محور) و رفتار پرخاشگری (تهاجم، کینه توزی و خشم).

۳- تفاوت میانگین ها در ابعاد مختلف راهبردهای انطباق و ابعاد مختلف پرخاشگری.

پیشینه تحقیق

جکسیموی تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه بین راهبردهای مقابله و سلامت روانی" در کرواسی انجام داد. این تحقیق در دوره زمان جنگ و بعد از جنگ ۱۹۹۳ بر روی سه گروه غیرنظامیان، پناهندگان و سربازان در سه دوره (زمان جنگ ۱۹۹۳، میانه های جنگ ۱۹۹۵ و ۵ سال بعد از جنگ) انجام گرفت. یافته ها نشان می دهد که مهمترین استراتژی مورد استفاده در طول جنگ برای هر سه گروه استراتژی احساسی بود. در دوره های دوم و سوم جنگ غیرنظامیان از استراتژی مشکل-محور استفاده کردند. پناهندگان و سربازان از دو استراتژی احساسی و مشکل-محور استفاده

افرادی که جهت مقابله با مشکلات زندگی از استراتژی احساسی و یا اجتنابی استفاده می کنند از سلامت روانی ضعیف تری برخوردارند (Gooldhart, 1985, 239). شناخت این استراتژی ها در زندگی افراد هم برای خود فرد و هم برای برنامه ریزان مهم به نظر می رسد تا براساس آن بتوانند به برنامه ریزی فعال اقدام نمایند.

در این مقاله محقق سعی دارد رابطه بین ابعاد سه گانه راهبردهای انطباق (عقلانیت محور، احساسی محور و اجتنابی محور) با ابعاد سه گانه پرخاشگری (تهاجم، کینه توزی و خشم) را تبیین کرده و توضیح دهد.

جوانان محصول شرایط خانوادگی، روابط با گروه همسالان، نظام آموزش و پرورش در کشور و به طور خلاصه محصول شرایط اجتماعی خود می باشند. به همین دلیل مطالعه و بررسی ویژگیهای این گروه سنی از جمله نحوه برخورد و واکنش آنها در برابر مشکلات زندگی و اجتماعی بیانگر چگونگی شرایط اجتماعی آنان خواهد بود (Cushman, 1992: 6). افرادی که براساس اصول منطقی، عقلی و علمی نسبت به مشکلات موجود در جامعه برخورد دارند، زمانی که با اطلاعات مبهم در مورد جامعه شان مواجه می شوند، تمایل دارند هم ابعاد منفی و هم ابعاد مثبت گذشته جامعه شان را ببینند؛ اما آنهایی که با این اصول پایبندی ندارند، بیشتر تمایل دارند ابعاد منفی جامعه شان را ببینند و لذا همه چیز را زیر سوال برده و سعی دارند از وسایل دیگری مانند خشونت و پرخاشگری در رفع مسائل خود برآیند (Doosje et al, 1999: 105).

مطالعه رفتارهای پرخاشگری جوانان در چند زمینه اهمیت فراوان دارد. جوانان و نوجوانان، سرمایه های آینده و آینه سازان جوامع هستند، آگاه هستند، نیازمند اطلاعات هستند و اگر اطلاعات صحیح از منابع سالم دریافت نکنند، از منابع ناسالم کسب خواهند کرد و صدمات طولانی مدت خواهند

وجود دارد. افرادی که سلامت روانی ضعیف تری داشتند آنهایی بودند که در مقابله با فشار روانی استراتژی خاصی برای سازگاری با موقعیت استرس زا به کار نمی بردند. آلدوین و ریونسون معتقدند که نوع انتخاب راهبرد مقابله با فشار روانی، بسته به دوره و شدت استرس است به این معنا که استراتژی احساس محور در ارتباط منفی با سلامت روانی و استراتژی مشکل محور در ارتباط مثبت با سلامت روانی قرار دارد (Aldwin & Revenson, 1987, 338).

آرمان و دستجردی ۱۳۸۳ تحقیقی با عنوان بررسی مقایسه‌ای میزان پرخاشگری در گرمترین و سردترین منطقه استان اصفهان، ۱۳۸۳، انجام داده‌اند. نتایج تحقیقاتی نشان می‌دهد که پرخاشگری جوانان در ارتباط معناداری با عوامل محیطی و اقلیمی است (آرمان و دستجردی، ۱۳۸۳).

چارچوب نظری و مفهومی

از دیدگاه روانشناسی اجتماعی افرادی که با رویدادهای فشارزای زندگی به خوبی سازگار می شوند، آنهایی می باشند که نگرشهای سرسختی در خودشان به وجود آورده اند (Kobasa, 1982, 162). کوباسا در مورد کنار آمدن با فشار روانی، مفهوم "سرسختی"^۴ یا سخت رویی را مطرح می کند. به نظر او افراد سخت رو، در واکنش به شرایط فشارزای زندگی، کمتر از دیگران دچار فشارهای روانی و اختلالات روانی می شوند (Kobasa, 1982, 162). مفهوم سخت رویی این روانشناس دارای سه مؤلفه تعهد، کنترل و مبارزه جویی است (کلینکه، ۱۳۸۴: ۱۵۳).

تعهد^۵: یعنی پذیرفتن نقشی فعال در زندگی خود. به نظر آنها افراد با تعهد بالا، با بسیاری از جنبه های زندگی از شغل گرفته تا تعاملات خانوادگی و ارتباط اجتماعی درگیر

می کردند. جکسیمویک معتقد است که در طول جنگ، سربازان، پناهندگان و غیرنظامیان از استراتژی احساسی استفاده می کنند. در دوره های بعد از جنگ غیرنظامیان از استراتژی مشکل-محور استفاده می کنند در حالی که پناهندگان و سربازان از دو استراتژی احساسی و مشکل-محور استفاده می کنند (Joksimovic, 2004, 582). تام و اسپلیج در تحقیقی با عنوان "رابطه بین ورزش کردن، سلامت روانی و راهبردهای مقابله در بین دانشجویان" به این نتیجه رسید که ورزش کردن به عنوان یک مکانیزم برای مقابله با فشارهای روانی و ارتقاء سلامت فیزیکی و روانی دانشجویان عمل می کند. او به این نتیجه رسید که ورزش کردن برای مردان در ارتباط مثبتی با سلامت روانی قرار گرفت در عین حال در میان زنان هم ارتباط مثبت و هم ارتباط منفی با سلامت روانی قرار داشت (Thame & Espelage, 2004, 339).

لی و همکارانش تحقیقی با عنوان "حمایت اجتماعی به عنوان سپر استرس های فرهنگ پذیری" به مطالعه سلامت روانی در میان دانشجویان کره در سال ۲۰۰۴ پرداختند. آنها نقش حمایت های اجتماعی را در سازگاری دانشجویان به فرهنگ مقصد مورد توجه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که دانشجویانی که از سطح بالای حمایت اجتماعی برخوردارند، فشارهای روانی و پرخاشگری کمتری دارند (Lee et al, 2004, 340).

آلدوین و ریونسون^۳ در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه بین استراتژیهای مقابله و سلامت روانی" با تمرکز بر سه نوع استراتژی اجتنابی، احساسی و عقلایی به این نتیجه رسیدند که در تحلیل رگرسیون چند متغیره نوعی رابطه مستقیم یک طرفه بین اختلالات روانشناختی و راهبردهای مقابله

⁴ . Hardiness

⁵ . Commitment

³ . Aldwin & Revenson

انتخاب هدفها و فعالیتهای آنها که ضامن سلامتی او هستند، هدایت می‌کند. لذا این افراد به طور معمول از استراتژی‌هایی چون خودسرزنی، تفکر آرزومندانه و یا اجتناب به عنوان راهبردهای مقابله با فشارهای روانی استفاده نمی‌کنند. لوبون^۹ از دیگر صاحب‌نظران این رهیافت است که بر روی رفتار هیجانی جوانان متمرکز شد. لوبون خواص ویژه‌ای نظیر تحریک پذیری، برانگیزش، فقدان تفکر منطقی، داشتن کمبود در قدرت قضاوت و روح انتقادگر و هیجان زدگی و زیاده روی در احساسات و بروز آن را برای توده‌ها و انبوه خلق در نظر می‌گیرد. در نظریه لوبون توده انبوهی دیوانه، غیر مدلل، غیر قابل پیش بینی، خطرناک و مخوف در نظر آمده است که تجمع‌هایی، بوجود می‌آورند که اغلب خشونت آمیز و فاجعه بار است (ستوده، ۱۳۷۸: ۶۰).

از دیگر کسانی که در قالب رهیافت روانشناسی اجتماعی موضوع پرخاشگری را مطرح می‌کند، کلارک^{۱۰} است. بزعم کلارک برخی خصوصیات در تجمع‌های توده‌ای معطوف به خشونت و ویرانگری است که در برخی از رفتارهای جمعی و هیجانی نظیر تخریب اموال عمومی، شورش‌های خیابانی، زد و خوردها در محیط‌های ورزشی و خشونت در فوتبال دیده می‌شوند. این رفتارها بر تحریک پذیری جوانان، تلقین پذیری و زودباوری توده‌ها، مبالغه و یکجانبه بودن در احساسات توده‌ها، سازش ناپذیری، برتری جویی و محافظه کاری توده‌ها و اخلاق گروهی مختص توده‌ها، تاثیر زیادی دارد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۹۶).

کولی^{۱۱} در قالب رهیافت کنش متقابل نمادی اعتقاد دارد که مفهوم خود درباره نوجوان را می‌توان از سه منظر

هستند و به ارزش و اهمیت کاری که انجام می‌دهند، باور دارند. لذا نوعی زندگی هدفمند دارند و برای معنی داری زندگی شان مسئولیت می‌پذیرند کنترل؟ کنترل از طریق بالا بردن کنترل درونی و خودکارآمدی حاصل می‌شود. کنترل نقطه مقابل درماندگی است و زمانی به وجود می‌آید که شما موقعیت فشارزا را کنترل کنید و بتوانید آن را مدیریت نمایید. با توجه به مؤلفه دوم (کنترل)، افراد سخت رو معتقدند که می‌توانند بر حوادث زندگی تاثیر بگذارند و آنها را کنترل کنند و خود را در مواجهه با نیروهای خارجی ناتوان احساس نمی‌کنند.

مبارزه جویی^۷: یعنی پی بردن به ارزش رشد شخصی و تغییر آن که مستلزم انعطاف پذیری است. پذیرش تغییر و تحولات در زندگی جوانان ممکن است در مرحله اول مشکل باشد، اما بعد از مدتی فرد می‌تواند خود را با شرایط مشکل‌زا سازگار کند. در این استراتژی فرد ممکن است به دلیل وجود حس مبارزه جویی در خود، از دگرگونیهای زندگی استقبال کرده و آنها را محرک و فرصتی برای رشد شخصی خود قلمداد کند (Dimatteo, 1976, 17). در این نظریه افرادی که دارای نگرش سرسختی می‌باشند، نگرش مساله‌گشایی^۸ نسبت به زندگی اتخاذ می‌کنند و از سیستم‌های حمایتی اجتماعی به طور موثر استفاده می‌کنند. بر این اساس اشخاص سرسخت ممکن است در برخورد با رویدادهای استرس‌زا از راهبردهای مقابله تبدیلی فعال سود جویند. بطور خلاصه می‌توان چنین نتیجه گرفت که سرسختی به مثابه یک سپر محافظ در برابر عوامل استرس‌زا عمل می‌کند و با افزایش مقاومت درونی، فرد را به سوی

^۹ . Lebon

^{۱۰} . Clorck

^{۱۱} . Cooley

^۶ . Control

^۷ . Straight fight

^۸ . Problem Solving

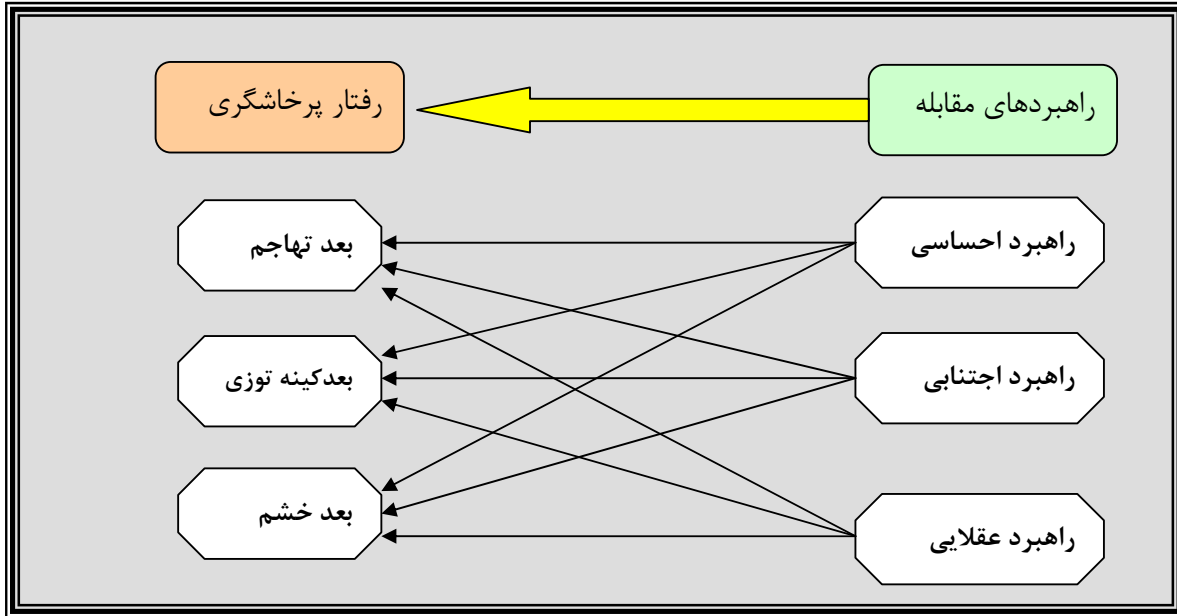
کرد که رویکرد زیست‌شناختی به تعامل بین عوامل زیستی و محیط اجتماعی بیشتر تأکید دارد تا تأثیرات خالص زیستی. به همین دلیل در دیدگاه‌های جدید این مکتب نظریه‌های زیست‌شناختی تحت عنوان رویکرد زیستی اجتماعی بیان می‌شود (Lundman, 1993, 45).

چارچوب نظری تحقیق حاضر برگرفته از رویکرد روانشناسی اجتماعی با تأکید خاص بر نظریه کوباسا است. این اندیشمند بر این باور است که فردی که در جامعه با مشکلی برخورد می‌کند، با سه نوع وضعیت احتمالی (عقلانی، احساسی و اجتنابی) روبرو می‌گردد و پاسخ وی به هر وضعیت به تواناییهای فردی وی بستگی دارد. در راهبرد عقلانی فرد مستقیماً به سوی مدیریت آن مشکل متمرکز می‌شود، که کمتر دچار پرخاشگری می‌شود. در راهبرد احساسی فرد در برابر مشکلات به صورت غیر منطقی و از روی احساسات عمل می‌کند. در راهبرد اجتنابی نیز فرد راه حل مشکلات را به نیروهای ماورائی محول می‌کند و معتقد است که حل مشکلات، کار آنها نیست بلکه به دست نیروهای ماورایی حل می‌شود. در این دیدگاه آنهایی که از راهبرد عقلایی و اجتنابی استفاده می‌کنند انتظار می‌رود کمتر پرخاشگری از خود نشان دهند و آنهایی که از احساسات استفاده می‌کنند بیشتر پرخاشگر شوند. براساس چارچوب نظری تحقیق رابطه علی بین راهبردهای انطباق و رفتار پرخاشگری حاصل به صورت ذیل ارائه می‌شود.

تحلیل کرد. وی معتقد است در منظر اول به این نکته باید توجه داشت که نوجوان با خود می‌اندیشد و می‌گوید که در ذهن دیگران چگونه ظاهر شوم. در منظر دوم وی معتقد است که نوجوان در مورد والدین خود و جامعه فکر می‌کند که چگونه در مورد من قضاوت می‌کنند. کولی در نتیجه گیری اعتقاد دارد که از قضاوت دیگران درباره خود یا احساس غرور می‌کنیم و یا احساس سرافکندگی. اگر احساس غرور کنیم یعنی نوجوان از قضاوتی که جامعه و والدین درباره او دارند، احساس غرور می‌کند. قدرت همنوایی و سازگاری او در جامعه افزایش پیدا می‌کند اما اگر نوجوان احساس سرافکندگی کند این امر موجب پرخاشگری و سرکشی می‌گردد (ستوده، ۱۳۷۸: ۶۱).

در رویکرد زیست‌شناسی به دور از هر ارتباطی بین شکل ظاهری و اختلالات ذهنی، بر تأثیر نقش شخصیت زیستی فرد در رفتار بزهکارانه تأکید گذاشته شده (مثل تأثیر ژن‌ها بر رفتار). در این نظریه مسئله توارث و ژن‌ها به طور جداگانه بررسی می‌شود. سابقاً مسئله توارث در رفتار بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت در حالیکه در نظریه‌های نوین به مسئله ژن‌ها و بزهکاری به نوعی دیگر توجه می‌شود. دیدگاه‌های نوین این رویکرد به تغییراتی که در اثر تخریب ژنتیکی در ژن‌ها بوجود می‌آید، تأکید می‌کنند. در نظریات جدید زیست‌شناختی تأثیر مستقیم زیستی در رفتار بزهکارانه مورد حمایت نیست، در عوض شرایط زیستی خاص را در فرد که باعث بروز الگوهای رفتاری غیر عادی است، پیش می‌کشد. به طور خلاصه می‌توان اذعان

نمودار شماره ۱: رابطه علی بین راهبردهای انطباق و رفتار پرخاشگری



فرضیه اصلی تحقیق عبارتست از:

- بین راهبردهای انطباق (احساسی، اجتنابی و عقلایی) با رفتار پرخاشگری جوانان (تهاجم، خشم و کینه توزی) ارتباط وجود دارد.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این مقاله کمی و از تکنیک پیمایش^{۱۲} استفاده شده است. جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه^{۱۳} انجام گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه جوانان شهر اسلام آباد غرب است، که براساس آمارهای مندرج در سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد آن برابر ۳۸۰۰۰۰ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). برای حجم نمونه از جدول لین استفاده شده است (Lin, 1974, 581). جدول نمونه گیری لین جمعیت های در سطح ۱۰۰۰ نفر به

بالا با تخمین های متفاوتی در سطح خطاهای کمتر از یک درصد تا ۹ درصد بیان کرده است و قدرت تحلیلی آن از فرمول کوکران قویتر است و حتی نمونه ای که بدست می دهد در تمام حالات از کوکران خیلی بیشتر و نزدیک به دوبرابر است. جهت بالارفتن دقت در انتخاب نمونه در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، حجم نمونه ۳۵۰ نفر در نظر گرفته شده است. به خاطر بالا بردن پایایی ابزار تحقیق ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد که از این مقدار ۳۸۴ پرسشنامه جمع آوری شد. جهت انتخاب نمونه بر اساس نمونه گیری تصادفی سیستماتیک استفاده به عمل آمد. در این روش نمونه گیری محقق با همکاری سازمان ملی جوانان، شورای شهر و همچنین ثبت احوال شهرستان توانست اسامی تمامی افراد جوان را لیست کرده و به فاصله هر ۱۰۰۰ نفر تقریباً یکی انتخاب شد.

برای سنجش پرخاشگری و راهبردهای انطباق به صورت ذیل عمل شد:

¹². Survey

¹³. Questionnaire

با سؤالاتی بر روی طیف ۵ درجه ای لیکرت سنجیده شدند که توسط کاسیک انجام پذیرفته و پایایی بدست آمده برای هر یک از این راهبردها به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۹ و ۰/۶۸ بدست آمده است.

در پژوهش حاضر از اعتبار صوری^{۱۷} و اعتبار سازه ای^{۱۸} استفاده شده و برای به دست آوردن پایایی آن از آلفاکرونباخ^{۱۹} استفاده به عمل آمده است. آلفای کرونباخ برای رفتار پرخاشگری با تعداد ۳۰ گویه برابر ۰/۸۹، راهبرد احساسی با تعداد ۹ گویه ۰/۶۹، برای راهبرد عقلانی با تعداد ۷ گویه برابر ۰/۹۰، برای راهبرد اجتنابی با ۸ گویه برابر ۰/۷۶ و در کل برای راهبردهای مقابله با ۲۴ گویه برابر ۰/۷۸ می باشد. جهت اعتبار صوری نیز پس از طراحی گویه های طیف های مربوطه (براساس تحقیقات انجام شده و دیدگاههای نظری) در اختیار اساتید و کارشناسان دانشگاه قرار گرفت. اظهار نظر این افراد در راستای سنجش گویه های هر طیف، در نهایت به گزینش گویه های مناسب برای هر طیف منجر شد.

جهت ارزیابی اعتبار سازه ای پرخاشگری ضمن استناد به مبانی نظری تحقیق از تحلیل عامل^{۲۰} استفاده شد. نتایج حاصل از ماتریس همبستگی میان گویه های متغیر رفتار پرخاشگری نشان می دهد که گویه های این متغیر در سه بعد متمرکز شدند به طوریکه گویه های موجود در یک بعد با سایر گویه های موجود در آن بعد همبستگی معنادار داشته اند ولی با گویه های موجود در ابعاد دیگر این متغیر همبستگی معناداری نداشته و این همبستگی ضعیف بوده است.

پرخاشگری رفتاری است که با قصد صدمه رساندن جسمی یا زبانی به فرد دیگر یا نبود کردن دارایی افراد صورت می گیرد. در این تحقیق از پرسشنامه ۳۰ سؤالی پرخاشگری (AGQ) برای سنجش رفتار پرخاشگرانه جوانان استفاده به عمل آمده است (آرمان و دستجردی، ۱۳۸۳: ۳۷). که ۱۴ سؤال آن خشم، ۸ سؤال تهاجم و ۸ سؤال عامل کینه توزی را می سنجد. با استفاده از طیف ۵ درجه ای لیکرت سنجیده شده است.

استراتژیهای (راهبردهای) انطباق: تلاش های شناختی یا رفتاری می باشد که به وسیله افراد برای کاهش استرس به کار می روند (Thame & Espelage, 2004, 339). در این تحقیق راهبردهای انطباق در راستای کاهش خشونت و پرخاشگری عمل می کنند. این مفهوم بر اساس سه بعد سنجیده شده است که عبارت اند از:

۱- راهبرد احساس-محور^{۱۴} (احساسی): در این راهبرد، زمانی که فرد با مشکلی روبرو می شود، در برابر مشکلات به صورت غیر منطقی و از روی احساسات عمل می کند.

۲- راهبرد مشکل-محور^{۱۵} (عقلانی): این راهبردها مستقیماً به سوی مدیریت آن مشکل متمرکزند (انجام بعضی چیزها برای جایگزینی منابع استرس، سعی برای حل مشکل). به این معنا که در این راهبرد، فرد در برابر مشکلات و فشارهای روانی به صورت منطقی به دنبال راه حلی درست و منطقی در برابر آن مشکل است.

۳- راهبرد اجتنابی^{۱۶}: در این راهبرد، فرد راه حل مشکلات را به نیروهای ماورائی محول می کند و معتقد است که حل مشکلات، کار آنها نیست بلکه به دست نیروهای ماورایی حل می شود (Kosic, 2004, 270). هر یک از این راهبردها

¹⁷ . Face Validity

¹⁸ . Construct Validity

¹⁹ . Alpha Cronbach

²⁰ . Factor Analysis

¹⁴ . Emotional-oriented

¹⁵ . Problem-oriented

¹⁶ . Evidence-oriented

بررسی دقیق الگوی همبستگی های بین گویه های پرخاشگری این واقعیت را به ما نشان می دهد که هر مجموعه از گویه ها به یک عامل تقلیل یافته اند و بر این اساس متغیر رفتار پرخاشگرانه در این تحقیق از ۳۰ گویه به ۳ بعد یا شاخص کاهش یافته است. به عبارتی دیگر گویه ها به صورت خوشه هایی گرد هم آمده اند، به طوری که گویه های هر خوشه با همدیگر همبستگی دارند و با گویه

های موجود در خوشه های دیگر همبستگی ندارند. آزمون KMO در این ماتریس بیش از ۰/۷۰ یعنی ۰/۸۳ می باشد، لذا نیازی به حذف هیچ گویه ای از این مجموعه نمی باشد. آزمون کرویت بارتلت در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان این معنی داری را نشان می دهد.

جدول ۱: نتایج آزمونهای آماری در تحلیل عامل برای رفتار پرخاشگری

KMO=۰/۸۳	آزمون کیزر مایر
B.T=۲۲۰۲/۱۲	آزمون بارتلت
d.f=۲۹	درجه آزادی
Sig.=۰/۰۰۰	سطح معنی داری

با توجه به اینکه در تحلیل عامل الگوی همبستگی های موجود میان گویه ها با استفاده از ضرایب KMO معنی دار می باشد و با توجه به اینکه مقدار ویژه^{۲۱} سه عامل بیشتر از ۱ می باشد لذا این ۳ عامل بهترین عامل ها برای تحلیل عامل می باشند و هر سه عامل بیشترین واریانس طیف مورد نظر را تبیین می کنند. جدول شماره ۲ هر یک از عاملها و همچنین تعلق هر گویه به هر کدام را نشان می دهد.

سوالات ذیل جهت معرفی Xهای پرخاشگری آمده است. برخی مسایل جزئی و ناچیز مرا عصبی می کند (X1). وقتی به وقایع گذشته نظر می کنم، بی اختیار رنجیده می شوم (X2). کارهای زیادی می کنم که بعداً احساس ندامت می کنم (X3). وقتی چیزهایی مانع تحقق یافتن برنامه ها و نقشه هایم می شوند، عصبانی می شوم (X4). از بی انصافی دیگران عصبانی می شوم (X5). تحمل شکست و ناکامی برای من خیلی مشکل است (X6). وقتی عصبانیت

خود را از دیگران مخفی می کنم، مدت طولانی درباره آن فکر می کنم (X7). بعضی از دوستانم عاداتی دارند که مرا بسیار خشمگین می کند (X8). خودم را سرزنش می کنم (X9). از کارهای احمقانه دیگران عصبانی می شوم (X10). بار سنگینی روی دوشم احساس می کنم (X11). وقتی مورد انتقاد قرار می گیرم، شدیداً خشمگین می شوم (X12). از تأخیر و تعلل دیگران عصبانی می شوم (X13). وقتی حرفم به کرسی نمی نشیند خیلی دلگیر می شوم (X14). وقتی عصبانی می شوم کنترل روی حرفهایم ندارم (X15). آنقدر خشمگین می شوم که رفتارهای غیر منطقی از من سر می زند (X16). وقتی خشمگین می شوم، به دیگران دشنام می دهم (X17). در مواضع فکری خود مقاوم و پایدار هستم (X18). وقتی از کوره به در می روم، توی گوش دیگران می زوم (X19). آنقدر عصبانی می شوم که چیزی را پرتاب می کنم (X20). افکار بدی در سر می پرورانم که مرا دچار احساس شرمندگی می کند (X21). دیگران مرا فردی خشن و پرخاشگر تقلی می کنند (X22). اگر در مغازه ای،

²¹ . Eigenvalue

کند درگیر می‌شوم (X26). اگر فردی به من صدمه بزند، من هم به او صدمه می‌زنم (X27). به ورزش‌های خشن علاقه دارم (X28). مردمی که آزارم می‌دهند، تنشان برای کتک می‌خارد (X29). وقتی دیگران با من مخالفت می‌کنند با آنها جر و بحث می‌کنم (X30).

فروشنده‌ای با من بدرفتاری بکند، جار و جنجال به راه می‌اندازم (X23). اگر فردی مطلبی احمقانه بگوید حقش را کف دستش می‌گذارم (X24). اگر یک اتومبیل در حین عبور از کنارم احتیاط نکند، بر سر راننده آن فریاد می‌کشم (X25). با هر کسی که به من یا خانواده‌ام توهین

جدول ۲: ماتریس عامل دوران یافته برای رفتار پرخاشگری

گویه‌ها	عامل ۱ (خشم)	عامل ۲ (تهاجم)	عامل ۳ (کینه توزی)
X1	۰/۷۷		
X2	۰/۷۸		
X3	۰/۶۶		
X4	۰/۷۸		
X5	۰/۶۳		
X6	۰/۷۶		
X7	۰/۶۶		
X8	۰/۴۷		
X9	۰/۷۵		
X10	۰/۷۴		
X11	۰/۷۶		
X12	۰/۶۶		
X13	۰/۴۷		
X14	۰/۷۵		
X15		۰/۵۶	
X16		۰/۶۳	
X17		۰/۶۶	
X18		۰/۷۸	
X19		۰/۶۳	
X20		۰/۵۵	
X21		۰/۷۱	
X22		۰/۸۱	
X23			۰/۴۳
X24			۰/۶۴
X25			۰/۷۴
X26			۰/۸۶
X27			۰/۴۸
X28			۰/۷۹
X29			۰/۸۷
X30			۰/۶۱

انطباق را نشان می دهند، لذا نیازی به حذف هیچ گویه ای از این مجموعه نمی باشد. آزمون کرویت بارتلت در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان این معنی داری را نشان می دهد.

جدول شماره ۳ نتایج آزمونهای آماری در تحلیل عامل برای متغیر راهبردهای انطباق نشان می دهد، از آنجایی که مقدار آزمون KMO در این ماتریس برابر ۰/۸۹ می باشد و این مقدار مناسب بودن مجموعه گویه ها در سنجش راهبرد

جدول ۳: نتایج آزمونهای آماری در تحلیل عاملی برای راهبردهای انطباق

KMO=۰/۸۹	آزمون کیزر مایر
B.T=۲۲۱/۰۰۵	آزمون بارتلت
d.f=۲۳	درجه آزادی
Sig.=۰/۰۰۰	سطح معنی داری

زندگی کمتر برخوردار منطقی دارم و دچار نگرانی می شوم (X6). ۷- اگر بخت یاری نکند مقابله با مشکلات محال است (X7). ۸- برای حل مشکلات خدا کریم است (X8). ۹- آدم بایستی به صورت منطقی با مشکلات خود برخورد کند (X9). ۱۰- بعد از هر با عصبانیت پشیمان می شوم (X10). ۱۱- لازم است آدم زمانی کارش بند می آید به خدا متوسل شود (X11). ۱۲- دعا راه حل هر مساله ای است (X12). ۱۳- من در مقابل هر مشکلی که برایم پیش می آید، قبل از هر اقدامی، ابتدا با دیگران مشورت می کنم (X13). ۱۴- احساس می کنم در مقابل کوچکترین مشکلی از پا در می آیم (X14). ۱۵- همیشه صبر را بر هر چیزی ترجیح می دهم (X15). ۱۶- خیلی زود از کوره در می روم (X16). ۱۷- خودم را شخصی کم حوصله می بینم (X17). ۱۸- سعی می کنم جواب بدی دیگران را با روشی صحیح بدهم (X18). ۱۹- آدم منطقی ای هستم (X19). ۲۰- به همه چیز با دیدی مثبت نگاه می کنم (X20). ۲۱- حلال تمام مشکلات خداست (X21). ۲۱- به طور دائم از برخورد با مشکلی عصبی می

در این تحلیل مقدار ویژه ۳ عامل بیشتر از ۱ است، لذا این ۳ مورد بهترین عامل ها برای تحلیل عامل می باشند و برای تلخیص این ۲۴ گویه از این ۳ عامل استفاده می شود. برای تشخیص این کار از "دوران عامل^{۲۲}" با استفاده از دوران واریماکس^{۲۳} استفاده می شود، در این روش ضرایب کم و زیاد ماتریس دوران یافته، تعلق متغیرها به عامل ها را به وضوح نشان می دهد. جدول شماره ۴ نحوه توزیع گویه ها در بین عامل ها را نشان می دهد. سوالات ذیل جهت معرفی Xهای متغیر راهبردهای انطباق آمده است.

۱- در یک موقعیت فشارزا عصبی می شوم و نمی توانم بر خودم کنترل لازم داشته باشم (X1). ۲- احساس می کنم قادرم که در هر موقعیت سخت مصلحت خود را حفظ کنم (X2). ۳- باور دارم که حل مشکلات انسانها وابسته به تقدیر آنهاست (X3). ۴- در مقابل مشکلات مصمم و با اراده هستم (X4). ۵- قادر نیستم به آسانی برای مشکلات خودم راه حلی پیدا کنم (X5). ۶- معمولا در برابر فشارهای

²². Factor Rotation

²³. Varimax Rotation

شوم (X22). ۲۳- احساس می‌کنم آدم قوی و مقاومی در برابر مشکلات هستم (X23). ۲۴- از اینکه نمی‌دانم در برابر مشکلات چکار کنم به حال خودم گریه می‌کنم (X24).

جدول ۴: ماتریس عامل دوران یافته در تحلیل عاملی برای راهبردهای انطباق

گویه‌ها	عامل ۱ احساسی	عامل ۲ عقلانی	عامل ۳ اجتنابی
X1	۰/۸۱		
X10	۰/۷۶		
X22	۰/۶۸		
X14	۰/۸۵		
X5	۰/۶۷		
X16	۰/۷۹		
X17	۰/۹۱		
X18		۰/۵۵	
X19		۰/۶۱	
X2		۰/۸۴	
X9		۰/۸۱	
X23		۰/۷۱	
X13		۰/۷۳	
X4		۰/۸۲	
X15		۰/۶۴	
X6		۰/۹۰	
X20		۰/۸۵	
X8			۰/۷۶
X3			۰/۸۹
X7			۰/۸۹
X21			۰/۲۷
X11			۰/۶۶
X12			۰/۸۷
X24			۰/۷۰

یافته‌های تحقیق

داده‌ها با استفاده از بسته نرم‌افزار آماری برای علوم اجتماعی (SPSS) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته است.

خلاصه ویژگیهای اقتصادی-اجتماعی پاسخگویان

از تعداد نمونه آماری اختصاص یافته ۵۰/۰۲ درصد پسران و ۴۸/۶ درصد به دختران اختصاص داشته است. شاخص دیگر وضعیت اشتغال است که ۲۵/۴۴ درصد افراد شاغل و ۷۰/۱ درصد غیرشاغل بوده‌اند. نزدیک به ۶۴/۹ درصد آنها

در خانه های شخصی، ۲۱/۶ درصد در خانه های اجاره ای، ۲/۱ درصد در خانه های سازمانی و کمتر از ۵/۲ درصد آنها در سایر خانه ها به سر می برند. شاخص دیگر وضعیت تاهل است که ۷۷/۷ درصد آنها مجرد و ۲۲/۳ درصد از آنها متاهل بوده اند. در رابطه با هویت اجتماعی می توان گفت ۴/۳۳ درصد از پاسخگویان در طبقات بالای جامعه، ۶۸/۸ درصد در طبقات میانی جامعه و ۲۶/۰ درصد از آنها هم در طبقات پایین جامعه بوده اند. بیشترین درصد یعنی ۸۹/۹ درصد پاسخگویان کرد و کمترین درصد یعنی ۰/۵ درصد از آنها عرب بوده اند. محل تولد ۲۹۶ نفر از پاسخگویان مناطق شهری و ۸۶ نفر از آنها مناطق روستایی بوده است.

در ۲۱/۷۱ سال است. شاخص دیگر میزان تحصیلات می باشد که میانگین آن برای افراد پاسخگو برابر ۱۲/۳۱ می باشد. میانگین نمره پرخاشگری برای افراد مورد مطالعه برابر ۷۳/۴۴ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۳۰ تا ۱۴۰) در حد بالایی است و بیانگر وجود تمایل به رفتارهای پرخاشگری شدید در بین جوانان است.

جدول شماره ۵ وضعیت میانگین نمره پاسخگویان از متغیر رفتار پرخاشگری و هر یک از ابعاد سه گانه آن را نشان می دهد. داده های جدول نشان می دهد که میانگین نمره پرخاشگری برای افراد مورد مطالعه برابر ۷۳/۴۴ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۳۰ تا ۱۴۰) در حد بالایی است و بیانگر وجود تمایل به رفتارهای پرخاشگری شدید در بین جوانان است. با توجه به اینکه میانگین پرخاشگری در همه ابعاد از میزان متوسط آن بیشتر است نشاندهنده میزان خشونت زیاد در ابعاد متفاوت این متغیر است.

چنانچه از آمارها بر می آید ۶/۸ درصد افراد در ناحیه شهریارشهر، ۲۲/۳ درصد افراد در منطقه شهرستانی، ۲۶/۵ درصد آنها در منطقه بیمارستان، ۱۷/۱ درصد آنها در فرمانداری و ۲۶/۸ درصد از آنها در ناحیه شهرداری و ولیعصر قرار دارند. میانگین سنی افراد مورد مطالعه برابر

جدول شماره ۵: توزیع نسبی شاخصهای رفتار پرخاشگری پاسخگویان

متغیر پرخاشگری	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
بعد اول: تهاجم	۳۴۱	۳۲/۷۱	۸/۱۱
بعد دوم: خشم	۳۵۲	۴۸/۵۱	۹/۳۱
بعد سوم: کینه توزی	۳۶۳	۲۸/۶۵	۷/۱۵

تفاوت میانگین ها در ابعاد مختلف پرخاشگری: جدول شماره ۶ آزمون مقایسه میانگین ابعاد متغیر پرخاشگری را نشان می دهد. نتایج بدست آمده نشان می دهد که تفاوت معناداری به لحاظ آماری بین میانگین نمره ابعاد مختلف پرخاشگری وجود دارد. داده های جدول نشان می دهد که میانگین نمره پرخاشگری افراد در بعد

تهاجم برابر ۳۲/۷۱، در بعد خشم برابر ۴۸/۵۱ و در بعد کینه توزی برابر ۲۸/۶۵ می باشد. میانگین این ابعاد در جدول میزان پرخاشگری را در تمام ابعاد در سطح بالا نشان می دهد. این میزان بالا در ابعاد پرخاشگری براساس دامنه نمره پرخاشگری قابل تشخیص است. میانگین نمره پرخاشگری برای افراد مورد مطالعه برابر ۷۳/۴۴ است که این نمره در

مطلب است که میانگین پرخاشگری در بعد خشم بیشتر از سایر ابعاد می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان چنین استدلال کرد که هر اندازه افراد در جامعه رفتار پرخاشگری از خود نشان می‌دهند، بیشتر خشمگین می‌شوند.

مقایسه با دامنه نمره (۳۰ تا ۱۴۰) در حد بالایی است. نتایج نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های هر بعد با هم متفاوت است و این تفاوت مشاهده شده براساس آزمون F با مقدار ۱۲/۴۸ و در سطح معنی داری ۰/۰۰۰ تایید شده است. آنچه از نتایج به دست آمده، بیانگر این

جدول شماره ۶: آزمون مقایسه میانگین ابعاد متغیر پرخاشگری

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	آزمون فیشر	سطح معناداری
تهاجم	۳۲/۷۱	۸/۱۱		
خشم	۴۸/۵۱	۹/۳۱	۱۲/۴۸	۰/۰۰۰
کینه توزی	۲۸/۶۵	۷/۱۵		

بعد با هم متفاوت است و این تفاوت مشاهده شده براساس آزمون F با مقدار ۱۶/۳۲ و در سطح معنی داری ۰/۰۰۰ تایید شده است. آنچه از نتایج به دست آمده، بیانگر این مطلب است که میانگین نمره راهبردهای انطباق در بعد احساسی بیشتر از سایر ابعاد می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان چنین استدلال کرد که هر اندازه افراد در جامعه با مشکلاتی روبرو می‌شوند، بیشتر احساساتی عمل می‌کنند و زود خشمگین می‌شوند.

تفاوت میانگین‌ها در ابعاد مختلف راهبردهای انطباق:

جدول شماره ۷ آزمون مقایسه میانگین ابعاد متغیر راهبردهای انطباق را نشان می‌دهد. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که تفاوت معناداری به لحاظ آماری بین میانگین نمره ابعاد مختلف راهبردهای انطباق وجود دارد. داده‌های جدول نشان می‌دهد که میانگین نمره راهبردهای انطباق افراد در بعد عقلانی برابر ۲۱/۵۵، در بعد احساسی برابر ۳۷/۴۲ و در بعد اجتنابی برابر ۱۹/۴۴ می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های هر

جدول شماره ۷: آزمون مقایسه میانگین ابعاد متغیر راهبردهای انطباق

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	آزمون فیشر	سطح معناداری
بعد عقلانی	۲۱/۵۵	۱۱/۶۷		
بعد احساسی	۳۷/۴۲	۱۴/۴۳	۱۶/۳۲	۰/۰۰۰
بعد اجتنابی	۱۹/۴۴	۱۰/۵۶		

رابطه بین ابعاد راهبردهای انطباق با ابعاد

پرخاشگری جوانان:

جدول شماره ۸ نشاندهنده ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد راهبردهای انطباق با ابعاد پرخاشگری می باشد. نتایج مشاهده شده از جدول نشان می دهد که بین تمام ابعاد راهبردهای انطباق با ابعاد پرخاشگری ارتباط معناداری وجود دارد و جهت این رابطه ها برای بعضی متغیرها منفی و برای عده ای مثبت و معنادار است. راهبرد احساسی افراد با ابعاد تهاجم، خشم و کینه توزی مثبت و مستقیم است. آنچه استدلال می شود این بحث است که افراد زمانی که از

راهبرد احساسی در مواجهه با مشکلات استفاده می کنند، پرخاشگری بیشتری از خود در تهاجم، خشم و کینه توزی نشان می دهند. اما دو راهبرد دیگر برای این ابعاد معکوس می باشند، چرا که افرادی که راهبرد اجتنابی از خود نشان می دهند، دلیلی برای پرخاشگری نمی بینند، بلکه آنها از این رفتار به این خاطر کناره می گیرند که قدرت رویارویی با آن را ندارند در حالیکه برای بعد عقلانیت افراد سعی دارند با موانع مقابله کنند آن هم نه از طریق خشونت و پرخاشگری، بلکه با منطقی عقلانی و صحیح.

جدول شماره ۸: ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد راهبردهای انطباق با ابعاد پرخاشگری

سطح معناداری	ضریب همبستگی	ابعاد پرخاشگری		ابعاد راهبردهای انطباق
۰/۰۰۰	۰/۵۳	تهاجم	راهبرد احساسی	
۰/۰۰۰	۰/۶۲	خشم		
۰/۰۰۱	۰/۳۴	کینه توزی		
۰/۰۰۰	-۰/۴۴	تهاجم	راهبرد اجتنابی	
۰/۰۰۰	-۰/۲۲	خشم		
۰/۰۰۰	-۰/۲۱	کینه توزی		
۰/۰۰۰	-۰/۴۸	تهاجم	راهبرد عقلایی	
۰/۰۰۰	-۰/۵۹	خشم		
۰/۰۰۰	-۰/۳۷	کینه توزی		

بحث و نتیجه گیری

بدون شک جوانان یک گروه اجتماعی ساکن و ثابت را تشکیل نمی دهند. این نسل در ارتباط با شرایط تغییر می کنند. همواره جوانان موثرترین و پرتحرک ترین نیروهای تحول و حرکت اجتماعی هستند. آنان با داشتن نیروی

عظیم ذخیره شده، نیروهای بالقوه هر جامعه ای هستند و زمانی که فرصت و فضایی برای شنیدن خواسته های آنان ایجاد نشود، راهی جز خشونت و پرخاشگری برای خود جستجو نخواهند کرد. از اینرو برنامه ریزی برای تمام دوران و ساعات آنان و بهره گیری از انرژی عظیم آنان

امری ضروری است. نتایج تحقیق در ارتباط نظری با دیدگاهها و نظریات مطرح شده گویای پیوند منطقی بین سطح نظری تحقیق و سطح تجربی آن است. نتایج تحقیق نشان داده است که میانگین نمره راهبردهای انطباق افراد در بعد عقلانی برابر ۲۱/۵۵، در بعد احساسی برابر ۳۷/۴۲ و در بعد اجتنابی برابر ۱۹/۴۴ می باشد. از طرفی میانگین نمره پرخاشگری افراد در بعد تهاجم برابر ۳۲/۷۱، در بعد خشم برابر ۴۸/۵۱ و در بعد کینه توزی برابر ۲۸/۶۵ می باشد. این میانگین ها براساس آزمون F در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار است. نتایج نشان می دهد افراد زمانی که از راهبرد احساسی در مواجهه با مشکلات استفاده می کنند، پرخاشگری بیشتری از خود در تهاجم، خشم و کینه توزی نشان می دهند. اما دو راهبرد دیگر (عقلانی و اجتنابی) برای این ابعاد معکوس می باشند، چرا که افرادی که راهبرد اجتنابی از خود نشان می دهند، دلیلی برای پرخاشگری نمی بینند، بلکه آنها از این رفتار به این خاطر کناره می گیرند که قدرت رویارویی با آن را ندارند در حالیکه برای بعد عقلانیت افراد سعی دارند با موانع مقابله کنند. آن هم نه از طریق خشونت و پرخاشگری، بلکه با منطقی عقلانی و صحیح.

از جمله عواملی که می تواند بحث پرخاشگری جوانان را تبیین و شناسایی کند راهبردهای انطباق است، به عبارت دیگر این قضیه که جوانان در برخورد با مشکلات احتمالی چگونه واکنش نشان می دهند (که مباحث تئوریک و نتایج پژوهش حاضر بر آن دلالت دارد) این است که در برخورد افراد یک جامعه با مشکلات زندگی و روانی، هر اندازه راهبرد عقلانی در جهت حل مسائل به کار گرفته شود و بر اساس عقل سلیم با مشکل برخورد شود، فشارهای روانی ناشی از آن مساله کاهش می یابد و افراد به تبع نیز از راهبردی منطقی با قضیه برخورد می کنند و هیچ نیازی به

برخورد شدید و احساسی با مساله نمی بینند. نتایج تحقیق حاضر در راستای مباحث نظری انجام گرفته است. تافت بر این باور است افرادی که از استراتژی حل مساله استفاده می کنند، نگرش مثبتی نسبت به مشکلات زندگی دارند (Taft, 1957, 144). در این راستا کوباسا معتقد است که در استراتژی حل مساله افراد به شیوه عقلانی با مسائل و مشکلات برخورد کرده و مستقیماً به سوی مدیریت آن مشکل متمرکز می شوند و در جریان این فرایند سعی دارند منابعی را جایگزین استرس کنند. به نظر جنتری و کوباسا در استراتژی حل مساله با برخورد به شیوه عقلانی با مساله فرد پرخاشگر در جریان قرار گرفتن مشکلات ناشی از پرخاشگری مستقیماً به سوی مدیریت آن مشکل متمرکز می شود و در جریان این فرایند سعی دارد منابعی را جایگزین پرخاش کند

این پژوهش به برنامه ریزان راهکارهایی ارائه می دهد، تا بتوانند به سامان دهی زندگی جوانان و همسانی آنها کمک کنند و از تنش هایی که از پرخاش ناشی می شود، جلوگیری کنند و در این زمینه می توانند چارچوبی برای عمل در آن ایجاد کنند و آن مجموعه ای از ارزش ها و اصول است که برای مفهوم سازی روشن و هماهنگ کردن فعالیتهای سلامت روانی و کاهش هر نوع خشونت و پرخاشگری می باشد. راهکارهای مبتنی بر نتایج این پژوهش را می توان از زوایای مختلف مطرح کرد:

۱- اولین مساله افزایش آگاهی جوانان در جهت مساله گشایی و حل مسائل و مشکلات زندگی بر اساس راهبردهای عقلایی. با توجه به اینکه خیلی از افراد قدرت رویارویی منطقی و عقلانی یا به عبارتی قدرت مساله یابی و حل مساله را در جهت رفع مسائل ندارند لذا وارد راهبردهای احساسی و عاطفی شده و متناسب با آن به خشونت دست می زنند. این اساس برگزاری کارگاهها و

منابع

آرمان، سرور و جوان خوشحال دستجردی (۱۳۸۳). "بررسی مقایسه‌ای میزان پرخاشگری در گرمترین و سردترین منطقه استان اصفهان"، فصلنامه تحقیقات جغرافیائی، صفحه ۴۹-۳۱.

ستوده، هدایت ا... (۱۳۷۸). روانشناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.

عبدالخالقی و دیگران (۱۳۸۴)، "بررسی ارتباط بازیابی ویدئویی - رایانه‌ای با پرخاشگری در دانش آموزان پسر مقطع راهنمایی تهران سال ۱۳۸۲"، مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۳، صفحه ۱۴۵-۱۴۱.

کلینکه، ال. کریس (۱۳۸۴). مهارتهای زندگی، ترجمه شهرام محمدخانی، انتشارات اسپندهنر، جلد دوم. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). سالنامه آماری استان کرمانشاه، کرمانشاه: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمانشاه. ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی (نظریه ها و دیدگاهها)، تهران، شرکت سهامی انتشار.

Aldwin, C. M. & Revenson, T. A. (1987). "A Reexamination of The Relation Between Coping and Mental Health". Journal of Personality and Social Psychology. Vol. 53, No. 2, pp. 337-348.

Cohen, S., Kessler, R., & Gordon, L. (1995). Strategies for Measuring Stress in Studies of Psychiatric and Physical Disorders. New York: Oxford University Press.

Cushman, J. W. (1992). "The Organizational Dynamics of Teacher Workplace Commitment: A study of Urban Elementary and Middle Schools". Educational Administration Quarterly, Vol. 28, No. 1, pp. 5-42.

Dimatteo, M. R. (1976). The Psychology of Health, Illness and Medical Care. California: University of California.

Doosje, B. E. & Spears, R. (1999). Commitment and Inter group Behavior & Social Identity:

سمینارهای آموزشی جهت تقویت نگرش مساله یابی و حل مساله با در نظر گرفتن جوانب مثبت زندگی ضروری است. ۲- بسترسازی در جهت مشارکت همگانی در اداره امور جامعه برای تقویت مسئولیت پذیری و حس تعلق اجتماعی در افراد. از آنجا که فرد مسئولیت پذیر سعی دارد با هر مشکلی از جنبه عقلانیت با آن برخورد کند بنابراین گسترش این ویژگی در افراد می تواند آنها را در کاهش خشونت ها و پرخاشگری ها یاری نماید.

۳- به نظر می رسد یکی از مهمترین دلایل نارضایتی و در نتیجه خشونت در میان جوانان بحث عدم تامین نیاز است. امروزه جوانان نیازهای متعددی دارند که در صورت برآورده نشده آنها، جوان به ابزارهایی مانند خشونت و پرخاشگری متوسل می شود. بنابراین در این راستا برنامه ریزی جامع و همه جانبه و پایدار متناسب با روحیات، نیازها، تعلقات، شرایط و خواسته های نسل جوان و نوجوان با توجه به همه عوامل و عناصر تربیتی و روانشناسی و جامعه شناسی ذیربط می تواند این مشکل را مرتفع سازد.

۴ - بازنگری در ساختار تشکیلاتی سازمانهای مرتبط با امور جوانان و نوجوانان و تمرکز مدیریت و تدوین برنامه های مدت دار و پاسخگویی به جامعه. این بازنگری باید در نظام آموزشی و آسیب شناسی ساختارها، برنامه ها، راهبردها، محتوای آموزش و سایر موارد مرتبط با آن انجام گیرد.

۵- نظارت اجتماعی (کنترلهای اجتماعی رسمی و غیر رسمی) از جمله راه حل‌های دیگر مقابله با پرخاشگری می باشد که در برخی کشورها بکار گرفته شده است. همچنین استفاده از نیروی نظارت اجتماعی (کنترلهای اجتماعی رسمی مانند ابزارهای قانونی و پلیس و کنترل‌های غیر رسمی مانند ابزارهای اخلاقی، ارزشی و فرهنگی).

- International Students". *International of Intercultural Relations*, Vol. 28, pp. 399-414.
- Lengua, L. J. et al(1999). "Emotionality and Self – regulation Threat Appraisal and Coping in Children of Divorce". *Journal of Psychopathology*. Vol. 11, No, 1. pp. 15 – 37.
- Lin, N.(1974). *Foundation of Social Research*, New York: MC Grew. Hill.
- Lundman, R.J. (1993). *Prevention and Control of Juvenile Delinquency*, New York: Oxford, University Press.
- Sadock, B. J. & Sadock, V. A. (2003). *Synopsis of Psychiatry, Behavioral Sciences/ Clinical Psychiatry*, Ninth Edition, Lippincott, Willi, Williams & Wilkins.
- Taft, R. (1957). "A Psychological Model for the study of Social Assimilation", *Human Relations*, Vol. 10, pp. 141-156.
- Thomas, Sandro, P et al(1992). "Adolescent Stress and Coping: A Longitudinal Study". *Research in Nursing and Heath*. Vol. 15, No, 3. pp. 202- 215.
- Thome, J. & Espelage, D. L.(2004). "Relation among Exercise, Coping, Disordered Eating and Psychological Health among College Students". *Eating Behaviors*, Vol. 5, pp. 337-351.
- Context, Commitment, Content. Oxford: Blackwell.
- Gooldhart, D. E. (1985). "Some Psychological Effect Associated With Positive & Negative Thinking about Stressful Event Outcomes: Wsa Pollyanna?" *Journal of Personality and Social Psychology*. Vol. 107, pp. 237-240.
- Japel, C et al(1999). "Early Parental Separation and the Psychosocial Development of daughters 6-9 years old". *Journal of Orthopsychiatry*. Vol. 69, No.1, pp. 49 – 60.
- Joksimovic, C. M, Shmitz, L. N. & Ehlert, A. U.(2004). "The Association Between Coping Strategies and Mental Health in War: A Longitudinal Investigation". *Journal of Psychosomatic Research*. Vol. 56, pp. 581-673.
- Kobasa, S. C., Maddi, S. R., Khan, S.(1982). "Hardiness & Health: A Prospective Study", *Journal of Personality and Social Psychology*. Vol. 42, pp. 68-177.
- Kosic, A.(2004). "Acculturation Strategies, Coping Process and Acculturation Stress". *Scandinavian Journal of Psychology*, Vol. 46, pp. 269-278.
- Lee, J. S. & et al.(2004). "Social Support Buffering of Acculturation Stress: A Study of Mental Health Symptoms among Korean